

در حال ورشکستگی ام

قطب‌الدین صادقی می‌گوید در ده‌ماه اخیر یک ریال هم درآمد نداشته‌است

یک نمایشنامه‌نویس، استاد دانشگاه و کارگردان باسابقه و نامدار تئاتر وقتی بگوید در حال ورشکستگی است، احتمالاً می‌توان به میزان خرابی اوضاع در تئاتر پی‌برد. صادقی دیروز از سیاست‌های وزارت ارشاد برای حمایت از تئاتر در شرایط کرونایی به انتقاد پرداخت و به صراحت دولت دوازدهم را دولتی بیگانه با فرهنگ و هنر توصیف کرد.

قطب‌الدین صادقی که موسس و رئیس تماشخانه خصوصی شانو هم هست به مهر گفت: **من** خیلی نگرانم. طی پنج ماه گذشته ریالی درآمد نداشته و تمامی هزینه‌های اجاره ملک، نگهداری تماشخانه و کارکنان آن را از جیب پرداخت کرده‌ایم و دیگر پس‌اندازی برایمان باقی نمانده است. اگر شرایط کرونایی تئاتر ایران ادامه پیدا کند ورشکسته می‌شوم و مجبور خواهم بود تماشخانه «شانو» را تعطیل کنم.

دولت باید از پس هزینه‌های مردم برپایید و مسئولیت مردم و زندگی آنها را بر عهده بگیرد، ولی متأسفانه چنین رویکردی از سوی دولت وجود ندارد و رابطه مردم و دولت یکسویه شده است و گویا تنها این مردم هستند که وظایفی را برعهده دارند!

اولین ضرری که ما کرده‌ایم این است که مسئولان‌مان فرهنگی نیستند. دولت فعلی فرهنگ و هنر را نمی‌شناسند و تنها مبانی کلی و نام‌ها را بلد هستند تا به‌ضرورت فقط نام‌ها را به زبان می‌آورند تا از آنها استفاده کنند. بعید می‌دانم وقتی مسئولان ما نام سینما یا موسیقی را هم به زبان می‌آورند، چیزی درباره این هنرها بدانند!

اصلاً این دولت فرهنگی نیست و نه تنها با فرهنگ سنتی ایران بیگانه است، بلکه فرهنگ مدرن را هم نمی‌شناسد. متأسفانه اکثر

دولت‌ها از افراد سیاسی تشکیل شده‌اند که کلاً با فرهنگ بیگانه هستند و ضرورت فرهنگ و جایگاه آن را در ارتباط با مردم ایران و جامعه جهانی درک نمی‌کنند.

نمی‌دانم مردم دوباره اعتماد می‌کنند تا وارد سالن‌ها شوند یا نه. متأسفانه دولت به دلیل این که نتوانسته از پس هزینه‌ها برپایید، فعالیت‌های جمعی و گروهی را آزاد کرده و این امر و شکل‌گیری موج دوباره کرونا می‌تواند ضربه جبران‌ناپذیری به فرهنگ، اقتصاد، روابط اجتماعی و روان‌مان وارد کند.



تماشای آنلاین «بنیامین»

انیمیشن‌های ایرانی این روزها با اقبال نسبتاً خوبی مواجه هستند. اکران آنلاین انیمیشن «بنیامین» به کارگردانی محسن عنایتی و تهیه‌کنندگی مصطفی حسن آبادی هم از دیروز آغاز شد تا این‌که در زمان اکران خود در سینماها پرفروش بود، بتواند به مناطق فاقد سینما در کشور هم سفر کند. بنیامین، در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر، جایزه «تجلی اراده‌ملی» را به خود اختصاص داد. / سینماپرس



دوباره با «کهن آواهای تنبور»

فراخوان چهارمین جشنواره موسیقی «کهن آواهای تنبور» و مناطق کردنشین با هدف حفظ و اشاعه موسیقی مقامی و شناسایی استعدادهای جوان منتشر شد. اداره ارشاد شهرستان دالاهو با همکاری اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان کرمانشاه و «خانه تنبور» فراخوان چهارمین جشنواره کهن آواهای تنبور و موسیقی مناطق کردنشین را منتشر کرد. / جام جم دلی

گفت‌وگو با محمد سرشار که در تازه‌ترین اثر داستانی‌اش، ماجرای

تصرف پهباد جاسوسی آرکیو ۱۷۰ آمریکایی‌ها در ایران را روایت کرده‌است

یک محرمانه ناآرام



صابر محمدی

ادبیات و هنر

محمد سرشار در ساختار مدیریت فرهنگی، یکی از آن گزینه‌هایی است که هرگاه مسئولان می‌خواهند به شعار جوانگرایی عمل کنند از او سراغ می‌گیرند. در آغازین سال دهه ۶۰ به دنیا آمده و حالا تازه در آستانه ۴۰ سالگی است؛ در همان نوجوانی، نخستین سابقه کار اجرایی را با مدیریت کتابخانه یک مسجد آغاز کرد و بعدها همواره به عنوان مدیر فرهنگی فعال بوده تا این‌که امروز، مدیر یکی از شبکه‌های مرتبط با کودکان و نوجوانان در تلویزیون است. در عین حال، او در همه این سال‌ها نوشتن برای نوجوانان را هم مسکوت نگذاشته و از جمله این‌که در تازه‌ترین اثر داستانی‌اش برای نوجوانان، یکی از رویدادهای مهم معاصر در حوزه سیاست بین‌الملل را مد نظر قرار داده است؛ آذرماه ۱۳۹۰، مقام‌های نظامی ایران اعلام کردند که پهبادی آمریکایی با نام آرکیو ۱۷۰ را پس از تجاوز ۲۲۵ کیلومتری به خاک ایران در تصرف خود درآورده‌اند. خبر، آن سال مثل بمب ترکید. در اهمیت واقعه همین بس که باراک اوباما، رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده، از ایران خواست پهباد را به آمریکا برگرداند. او با ما می‌دانست واکنش‌ها به این خواسته، با توجه به این‌که آرکیو ۱۷۰ پهباد جاسوسی بوده، تمسخرآمیز خواهد بود اما پهباد اتقدر برایشان اهمیت داشت که به هر حال تیری در تاریکی انداخته بودند. محمد سرشار این رویداد را با سروشکلی داستانی، و از زبان پهباد روایت کرده و اسمش را هم گذاشته «شکار هیولا». کتاب، همین چندروز پیش رونمایی شده و ما به همین بهانه با او به گفت‌وگو نشستیم.

«؟» داستان «شکار هیولا» از زبان خود پهباد روایت می‌شود؛ روایت اول شخص. انتخاب این زاویه دید اساسا منجر به ارائه روایتی همدلانه می‌شود در حالی‌که بعید است شما خواسته باشید ما با پهبادی جاسوسی همدلی کنیم. تئرسیدید از انتخاب این زاویه دید؟

چرا! اتفاقاً ترسیدم. از همان ابتدا که ایده اولیه اثر را نوشته بودم و به دیگران سپردم تا نظرشان را بدهند، همین نکته شما را گفتند، می‌گفتند نکند نتوانی قهرمان‌های خودمان را به تصویر بکشی و مخاطبت حس انزجار نسبت به ایرانی‌ها و حس همدلی با آمریکایی‌ها پیدا کند. این خطر از همان ابتدا در رابطه با این شیوه روایت روبه‌رو بود. تلاش کردم به جای صفت‌کشیدن در این جبهه‌بندی، بر پشتکار و انگیزه‌ای تمرکز کنم که عصری را در مسیر هدفش قرار می‌دهد. هدف این پهباد، هر چند پنهان ماندن بوده است در این مسیر به اسارت گروه دیگری که بدترین دشمنانش هستند، درمی‌آید. انگیزه او برایم مهم بود.

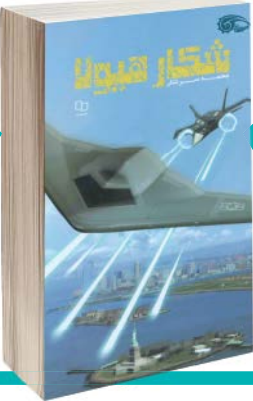
«؟» اطلاعات اندکی درباره آرکیو ۱۷۰ در دست است، هر چند برخی معتقدند این هواپیما پیش از آن‌که به عنوان پهباد جاسوسی مطرح باشد، هواپیمایی تاکتیکی و عملیاتی است، اما به هر حال همین بهره‌گیری محرمانه از آن باعث شده اطلاع چندانی درباره کارکردها و اجزایش نداشته باشیم. برای رسیدن به جزئیاتی در ترسیم سیمای این پهباد چه کردید؟

خود شرکت لاکهید مارتین و ارتش آمریکا یک سری اطلاعات درباره این پهباد منتشر کرده بودند. جز این اطلاعات، به برخی منابع خبری به زبان انگلیسی هم دسترسی یافتم که خبرنگاران آزاد آنها را نوشته بودند. به‌خصوص از وقتی که این پهباد در عملیات آمریکا در افغانستان استفاده

می‌شد تصاویری غیر از تصاویر منابع رسمی هم از این پهباد منتشر شده بود. این دو منبع را در اختیار داشتم و همین‌ها را پشتوانه پژوهشی اثرم کردم.

«؟» وقتی این اتفاق برای پهباد افتاد، به لحاظ رسانه‌ای شاهد دو میدان مختلف بودیم؛ یکی ایران که می‌گفت سلحشورانه آن را با رخنه در هداایتگرش فرود آورده و دیگری آمریکا که ادعا می‌کرد پهباد سقوط کرده است، شما به عنوان داستان‌نویس تصور می‌کنید باید جانب حقیقت را بگیرید و روایتی لزوماً صادق از واقعه ارائه دهید یا ترجیح می‌دهید کاری به کشمکش‌های رسانه‌ای ماجرانداشته باشید؟

دو طرف ماجرا طبعاً به روایت‌هایی می‌پرداختند که از نتیجه حاصل از آن، خود شرکت لاکهید مارتین و ارتش آمریکا یک سری اطلاعات درباره این پهباد منتشر کرده بودند. جز این اطلاعات، به برخی منابع خبری به زبان انگلیسی هم دسترسی یافتم که خبرنگاران آزاد آنها را نوشته بودند. به‌خصوص از وقتی که این پهباد در عملیات آمریکا در افغانستان استفاده



کم و بیش بله، اما برای نوشتن «شکار هیولا» از مشورت یکی از خبرنگاران حوزه دفاع استفاده کردم. اطلاعات مکتوب اینترنتی درباره پهبادها است، اما این را که توانمندی هر یک از آنها چیست، نمی‌دانیم. این اطلاعات به خاطر قرارگرفتن در طبقه‌بندی دسترسی‌ها، محرمانه است.

«؟» پسران ایمان اگر اشتباه نکنم حالا باید ۱۵ ساله باشد؛ یعنی یکی از نماینده‌های جامعه هدف شما در ادبیات داستانی می‌تواند باشد. وجود او به ذائقه‌شناسی شما از نوجوان‌ها چقدر کمک کرده و آیا «شکار هیولا» را پیش از انتشار دادید او هم بخواند؟

بله، بسیار کمک کرده. نسخه پیشین شکار هیولا را به ایمان و پسرخاله هم‌سنش دادم و گفتم بخوانید و نقدی بنویسید. به چند مخاطب حرفه‌ای رمان هم دادم بخوانند. جمع‌بندی نظرات همه اینها و نیز ناشر باعث شد اثر را بازنویسی کنم.

«؟» در شرایط بحرانی بازار کتاب با توجه به محدودیت‌های اجتماعی ناشی از شیوع ویروس کرونا، از فروش کتابتان راضی بوده‌اید؟

بله، از سویی هم گمان می‌کنم در این شرایط، ناشر با انتشار شمارگان ۳ هزار تایی برای چاپ اول کتاب، دست به اقدامی جسورانه زده است. همین، نشان می‌دهد ناشر نسبت به فروش مناسب اثر، پیش‌بینی‌هایی کرده است. ♪

عدداول

ادامه جاده جنگ

جلد دوازدهم «جاده جنگ»، نوشته منصور انوری چاپ شد و به این ترتیب طولانی‌ترین رمان ایرانی و برنده جوایز ادبی جلال و کتاب سال به پایان رسید. این رمان تاریخ ۵۰ ساله ایران را به یک رمان خواندنی بدل کرده که جوایز بسیاری را برای نویسنده به ارمغان آورده است. / فارس

خداحافظی همیشگی

درگذشت ویراستار شفيعی کدکنی

روز گذشته عباس آقاجانی، شاعر و ویراستار درگذشت. او در نشر سخن فعال بود و کارروی کتاب های محمدرضا شفيعی کدکنی، حسین الهی قمشه‌ای و بسیاری از نویسندگان و چهره‌های برجسته دیگر را در کارنامه خود داشت. محمدرضا شفيعی کدکنی از پژوهشگران محبوب ادبیات فارسی در سپاسنامه آغازین «تذکره الاولیا» این ویراستار و شاعر راستوده بود.

فیلم

بازی فوتبالی رضاکیانیان

در ایران فیلم‌های فوتبالی کم داریم، هرچند مردم ما هم عشق فوتبال هستند، اما این عشق هنوز آن‌طور که باید نتوانسته جای خود را در سینما باز کند. خبر ساخته‌شدن «بعد از اتفاق» به کارگردانی پوریا حیدری می‌تواند خبر خوبی برای علاقه‌مندان فیلم‌های فوتبالی باشد.

این فیلم داستان زندگی کودکی را روایت می‌کند که آرزو دارد به استقلال گل بزند و همین ماجرا فرصتی را فراهم کرده تا بازیگران سینما و بازیکنان فوتبال با هم در یک فیلم ایفای نقش کنند.

آن‌طور که اعلام‌شده قرار است رضاکیانیان، ستاره پسیانی و یسنا میرطهماسب هم در این فیلم بازی کنند.

این فیلم که به کارگردانی پوریا حیدری مجوز ساخت گرفته‌است با تهیه‌کنندگی مشترک کمپانی پی‌اس‌فیلم قبرس، کمپانی گریزمتری کانادا، کمپانی پل مدیای آمریکا و کمپانی ای‌ای‌ام‌پیو فنلاند ساخته می‌شود. / جام جم دلی

نمایش

مرثیه برای تئاتر اجتماعی

حسین کیانی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر از فعالان این عرصه است که همواره دغدغه رویدادهای اجتماعی را داشته و تلاش می‌کند پای آنها را به تئاتر هم باز کند.

او یادداشتی نوشته و در آن از فراهم‌نبودن شرایط برای ساخت تئاترهای اجتماعی انتقاد کرده‌است.

او نوشته است: «تئاتر اجتماعی و منتقد شرایط ناهنجار موجود از دو سو ضربه می‌خورد. ضربه اول و کاری‌تر را همان متولیان امر به این هنر زدند و ضربه دوم و آخر را این تعطیلی‌های گشوده که با این بخشنامه‌های ناکارآمد امید به بازگشایی و رونق مفاهیم اجتماعی در تئاتر یا اجتماعات در تئاتر را کم‌رنگ‌تر از هر زمان دیگری جلوه می‌دهد.» / ایسنا

